

دوفصلنامه زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی دانشگاه شیراز

سال ۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶

صص: ۱۴۹-۱۷۹

صرف فعل در گویش اردستانی^۱

محمد مطلبی*

سحر پرنده**

چکیده

گویش اردستانی، که یکی از گویش‌های شاخه شمالی گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو غربی است، در بخش مرکزی شهرستان اردستان از استان اصفهان رایج است. این گویش در کنار گویش زردشتیان یزد و کرمان، گویش کلیمیان یزد و کرمان و نیز گویش‌های نایینی، انارکی و زفره‌ای در گروه جنوب شرقی مجموعه گویش‌های مرکزی ایران جای دارد. این مقاله به صرف فعل در این گویش می‌پردازد و در آن مقولات ماده، وندهای تصریفی فعل، شناسه‌ها، شیوه ساخت زمان‌ها و وجه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. پیکره گویشی مورد نیاز، از طریق مصاحبه با گویشوران زن و مرد از گروه‌های مختلف جنسی و تحصیلی گردآوری شده است. براساس یافته‌های این پژوهش، مهم‌ترین ویژگی این گویش تمایز بین افعال لازم و متعدی در صرف ماضی و

^۱ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه‌ای است که در دانشگاه شهید باهنر کرمان دفاع شده است.

* motallebi51@yahoo.com

عضو هیات علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

** کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستان دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول)

barande_sahar@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۱۱/۴

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۳/۱۷

کاربرد ساخت ارگتیو ایرانی میانه در ماضی‌های متعددی است. ساخت افعال مجهول با استفاده از ماده مجهول به‌ندرت در گفتار برخی از گویشوران دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی:

گویش‌های مرکزی، گویش‌های اصفهان، گویش اردستانی، صرف فعل، ساخت ارگتیو.

۱. مقدمه

شهرستان اردستان با مساحتی در حدود ۱۳،۱۱۶ کیلومتر مربع بر لبه کویر مرکزی (کویر نمک) در فاصله ۱۱۵ کیلومتری شمال شرق مرکز استان اصفهان واقع شده و در طول جغرافیایی ۵۲ درجه و ۲۲ دقیقه شرقی و ۳۳ درجه و ۲۲ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است. این شهرستان از شمال به شهرستان گرمسار در استان سمنان و از جنوب به شهرستان‌های اصفهان، برخوار و میمه و از شرق با شهرستان‌های نائین و از غرب به شهرستان‌های نطنز و آران و بیدگل محدود گشته است (مشتاقی، ۱۳۸۹: ۲۲). این شهرستان در حال حاضر دارای دو بخش مرکزی و زواره است و سه نقطه شهری به نام‌های اردستان، زواره و مهاباد دارد. مرکز آن اردستان است که در گویش محلی «آسوم»^۱ نامیده می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۴ و ۱۵). جمعیت کل آن بنابر سرشماری نفوس مسکن سال ۱۳۹۵، تعداد ۴۲،۱۰۵ نفر است (درگاه ملی آمار ایران، مهر ۱۳۹۵). این شهرستان دارای چهارهزار اثر تاریخی و جاذبه گردشگری است که ۳۹ اثر آن در فهرست آثار ملی ثبت شده است. یکی از مهم‌ترین این آثار، مسجد جامع اردستان است که بقایای گچ‌بری‌های عصر ساسانی در آن یافت شده و از دوره‌های دیلمیان، سلجوقیان

^۱ a:sum

و صفویه آثار و خطوط بی نظیری در آن به چشم می خورد. دیگری قنات دوطبقه مون^۱ (زیر و رو) است که یکی از شاهکارهای حفر قنات در ایران است.

شهرستان اردستان در کنار مناطق بیابانی ایران مرکزی واقع شده، دارای آب و هوای گرم و خشک است و ارتفاع شهر نسبت به دریا ۱۲۰۵ متر می باشد. میزان بارندگی سالیانه به سبب واقع شدن در حاشیه کویر نمک، به ویژه در ناحیه گرمسیر، کم و مقدار تبخیر رطوبت زیاد است. رودخانه دائمی ندارد و منابع تأمین آب شرب کشاورزی، قنات های متعددی است که مادر چاه آن ها اغلب واقع در دامنه کوهستان های جنوبی است. شغل اصلی اهالی، کشاورزی و باغداری است و مهم ترین محصولات منطقه عبارت اند از: گندم، جو، پنبه، کنجد، کرچک، علوفه دامی و صیفی جات. محصولات باغی پرثمر آن، انار، انجیر، پسته، بادام، زردآلو، گردو، توت، انگور و قیسی است. قالی بافی نیز از گذشته های دور در اردستان متداول بوده و قالی و قالیچه های آن از کیفیت بالایی برخوردار هستند (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۳ و ۱۴).

گویش اردستانی در بخش مرکزی شهرستان اردستان، تنها در شهر اردستان و در برخی از روستاهای همجوار آن تکلم می شود. شهر اردستان محله های مختلفی دارد که در میان گفتار مردم آن ها تفاوت های تلفظی وجود دارد. این تفاوت ها در روستاهای اطراف نیز دیده می شود. در بخش های زواره و مهاباد و روستاهای اطراف آن ها گونه فارسی رایج است. در سال های اخیر این گویش در بین نسل جوان تر تا حدودی کم کاربرد شده که نشان می دهد تا اندازه ای در معرض خطر از بین رفتن قرار گرفته و این موضوع در سال های آینده یقیناً تشدید خواهد شد. بنابراین، بررسی و تشریح گویش هایی مانند اردستانی برای حفظ آن و نیز بازشناخت گویش های از میان رفته منطقه مفید است.

^۱ mun

زبان‌های ایرانی به دو دسته شرقی و غربی تقسیم می‌شوند. گویش‌های ایرانی جدید که در محدوده جغرافیایی کشور ایران باقی مانده‌اند همگی در قالب زبان‌های ایرانی جدید غربی می‌گنجد. ایرانی جدید غربی خود به دو دسته جنوبی و شمالی تقسیم می‌شود. اردستانی از نظر تبارشناسی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی متعلق به دسته شمالی است. تقسیم‌بندی دیگری برای گویش‌های ایرانی غربی وجود دارد که اساس آن ارتباط خانوادگی، همجواری جغرافیایی و هویت قومی است. براساس این تقسیم‌بندی هسته گویش‌های غربی، که اصطلاحاً گویش‌های مرکزی خوانده می‌شوند، تقریباً در میان همدان، اصفهان، یزد، تهران و به‌عبارت دیگر در محدوده ماد بزرگ واقع است (ویندفور، ۱۳۹۳: ۴۸۵). براین‌پایه، اردستانی از گویش‌های گروه گویشی موسوم به گویش‌های مرکزی است. گویش‌های مرکزی به گویش‌هایی گفته می‌شود که در منطقه-ای در میان همدان، اصفهان، یزد و تهران رایج هستند. این مجموعه گویش‌ها را هسته گویش‌های ایرانی نو غربی به‌شمار آورده‌اند (ویندفور، ۱۳۹۳: ۴۸۵). لکوک گویش‌های مرکزی ایران را به چهار گروه تقسیم کرده است: گویش‌های شمال غربی، گویش‌های شمال شرقی، گویش‌های جنوب غربی و گویش‌های جنوب شرقی و همچنین چند گویش انتقالی. وی این گویش را در کنار گویش زردشتیان یزد و کرمان، گویش کلیمیان یزد و کرمان و نیز گویش‌های نایینی، انارکی و زفره‌ای در گروه جنوب شرقی مجموعه گویش‌های مرکزی ایران جای داده است (لکوک، ۱۳۹۳: ۵۱۷ و ۵۱۸).

این جستار به بررسی فعل در این گویش اختصاص دارد و در این راستا انواع ماده‌ها، وندهای تصریفی و شناسه‌ها بررسی شده‌اند. افزون بر این، به‌صورت مفصل به روش ساخت زمان‌ها و وجه‌های مختلف پرداخته شده و مثال‌های متعددی ارائه شده است.

روش اصلی در انجام این تحقیق، روش میدانی است؛ داده‌های تحقیق که همان پیکره گویشی است از طریق مصاحبه با گویشوران و ضبط گفتار آزاد آنان گردآوری شده است. گویشوران که از هر دو جنس زن و مرد انتخاب شده‌اند، بیش‌تر افراد سالخورده و بی‌سوادی هستند که در اردستان به دنیا آمده، کم‌تر به اطراف سفر کرده و از سلامت شنوایی و بیانی روان برخوردار هستند. تعدادی از گویشوران از میان افراد تحصیل‌کرده انتخاب شده‌اند.

۲. پیشینه پژوهش

نخستین پژوهش مستقل در مورد گویش اردستانی را بیلی^۱ تحت عنوان «اردستانی» منتشر کرده است. او این مقاله را در فرصت کم و فقط با استفاده از یک گویشور به نام عباس آقابشارت در اصفهان تهیه کرده است؛ این مقاله دربردارنده یک مقدمه بسیار مختصر درباره ویژگی‌های آوایی گویش اردستانی است و بخش‌های صرفی از جمله اسم، فعل، مصدر، فهرستی از ۵۰ فعل و حدود ۱۹۰ واژه و یک متن به گویش اردستانی در حدود ۳۷ سطر را نیز شامل می‌شود.

اثر بعدی را لکوک^۲ انجام داده است. او دو مقاله در زمینه گویش اردستانی به چاپ رسانده است. نخستین مقاله وی در دایره‌المعارف «ایرانیکا» تحت عنوان «اردستانی» منتشر شده و به صورت کاملاً مختصر شمای کلی آوایی، صرفی و واژگانی گویش اردستانی را بیان می‌کند. همچنین، مقاله «گویش‌های مرکزی ایران» دومین پژوهش او می‌باشد که در کتاب «راهنمای زبان‌های ایرانی» به چاپ رسیده است. در این مقاله به

^۱ Bailey

^۲ Lecoq

مطالعه تطبیقی گویش اردستانی با دیگر گویش‌های دسته جنوب شرقی پرداخته شده و نکاتی در مورد واج‌شناسی، صرف و نحو این گویش‌ها بیان می‌شود.

مقاله «بررسی و توصیف گویش اردستان» توسط سیدمحمد امیری و قربان‌علی ابراهیمی در همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران در آذرماه ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است. ابتدای مقاله به مطالعه دستگاه آوایی گویش اختصاص یافته و در آن ساختار آوایی صامت‌ها و مصوت‌ها و فرآیندهای واجی بررسی شده‌اند. سپس به توصیف دستگاه صرفی گویش پرداخته شده که این بخش بسیار فشرده و خلاصه است.

این مقاله در کتاب «واژه‌نامه گویش اردستان» از قربان‌علی ابراهیمی چاپ شده است. این کتاب شامل سه بخش است. بخش اول مربوط به مطالعه دستگاه آوایی و بخش دوم دستگاه صرفی گویش است که هر دو بخش برگرفته از مقاله «بررسی و توصیف گویش اردستان» تنها با تغییراتی کاملاً جزئی می‌باشد. در آخر نیز فهرستی از اکثر مصدرهای اردستانی آمده است و بخش سوم که مفصل‌ترین بخش کتاب است تقریباً اکثر واژگان گویش اردستان را به همراه آوانویسی فهرست کرده است. همچنین این مقاله تحت عنوان «بازشناسی و توصیف گویش اردستانی» توسط قربان‌علی ابراهیمی در «ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین» در سال ۱۳۹۲ منتشر شده است.

۳. صرف فعل

۳-۱. ماده فعل

در اردستانی فعل برپایه ماده مضارع، ماده ماضی و ماده نقلی ساخته می‌شود. ماده مضارع برای ساختن زمان مضارع (اخباری و التزامی) و امر به‌کار می‌رود. ماده ماضی

برای ساختن زمان‌های ماضی (ساده و استمراری) و ماده نقلی، برای ساختن زمان‌های ماضی نقلی، ماضی بعید و ماضی التزامی به کار می‌رود. ماده واداری و ماده مجهول نیز در این گویش وجود دارد.

۳-۱-۱. ماده مضارع و ماده ماضی اصلی

معنی	ماده ماضی	ماده مضارع
گفتن	vut-	vā-
دیدن	dī-	vī-
افتادن	da:ket-	dare:k-

۳-۱-۲. ماده مضارع جعلی: اسم یا صفت است که ماده مضارع قرار می‌گیرد.

معنی	ماده مضارع	معنی	صفت	اسم
فهمیدن	fa:m-	فهم	-	fa:m
چسبیدن	čows-	چسب	-	čows
گندیدن	gand-	کثیف	gand	

۳-۱-۳. ماده ماضی جعلی: با افزودن تکواژهای ماضی‌ساز به ماده مضارع ساخته

می‌شود. پربسامدترین تکواژ ماضی جعلی ساز -o است:

برخاستن	e:ross-o-	خوابیدن	vos-o-
---------	-----------	---------	--------

در گویش اردستانی تنها در دو مورد پسوند ماضی‌ساز -ešt به کار می‌رود:

نشستن	henāq-ešt-	سپری شدن	viy-ešt
-------	------------	----------	---------

در موارد زیر تکواژ ماضی‌ساز -ed به ماده مضارع افزوده می‌شود:

برداشتن	īgīr-ed-	برگشتن	vīgīr-ed
---------	----------	--------	----------

تکواژ ماضی‌ساز -īd تنها در -e:rešn-īd «شنیدن» به کار رفته است.

۳-۱-۴. ماده واداری: با افزودن تکواژ واداری‌ساز $-(u)n/-en/-\bar{i}n$ به ماده مضارع ساخته می‌شود:

معنی	امر دوم شخص	مضارع اول شخص	ماده مضارع	ماده مضارع
جوشاندن	مفرد beyuš-un	مفرد yuš-n-om	واداری yuš-un-	غیرواداری yuš-
ترساندن	beta:s- $\bar{i}n$	ta:s-en-om	ta:s-en-	ta:s-
چسباندن	bečows- $\bar{i}n$	čows- $\bar{i}n$ -om	čows- $\bar{i}n$ -	čows-

۳-۱-۵. ماده مجهول^۱: لکوک (۱۳۹۳) به کاربرد ماده مجهول در اردستانی اشاره کرده است که با افزودن $-iy$ به ماده مضارع متعدی ساخته می‌شود. وی (۱۹۸۲) دو مثال از کاربرد این ماده را ذکر کرده است: $e-ri\bar{j}-iy-\bar{o}$ «ریخته می‌شوم» و $bi-ri\bar{j}-iy-\bar{o}$ «ریخته شدم». ابراهیمی (۱۳۹۰) نیز قائل به وجود ماده مجهول در اردستانی است. وی به تبعیت از لکوک ماده‌ساز مجهول را $-iy$ ذکر کرده و برای نمونه صرف ماضی ساده مجهول *suttan* «ساختن» را آورده است:

$bos\bar{a}ziy-om/ bos\bar{a}ziy-oy/ bos\bar{a}ziyo/ bos\bar{a}ziy -o:m/ bos\bar{a}ziy -oyd/ bos\bar{a}ziy -on$
ساخته شدم/ ساخته شدی/ ساخته شد/ ساخته شدیم/ ساخته شدید/ ساخته شدند

نگارندگان در تحقیقات میدانی خود صرفاً ماده مجهول ماضی را مشاهده کرده‌اند که منحصرأ در صیغه سوم شخص مفرد به‌کار می‌رود.

^۱ در زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه، ماده مجهول وجود داشته است که در ایرانی باستان $-iy$ است که به ریشه متعدی افزوده می‌شد (ابوالقاسمی، ۱۳۹۲: ۱۴۳). در فارسی میانه، $-ih$ است که به ماده مضارع متعدی افزوده می‌شد (ابوالقاسمی، ۱۳۹۲: ۱۵۹). در فارسی دری این ماده منسوخ شده است اما در گویش‌های ایرانی جدید از جمله در زبان کردی سنندج هنوز کاربرد دارد (کریمی دوستان و ویسی، ۱۳۸۷: ۱۳۷).

این خونه همین چند روز پیش ساخته شد. **nī kiye hemī čen ru peš bo-sāziyo.**

همه غذاها خورده شد. **heme qāzāhā bo-xoriyo.**

چه چیزی پایین انداخته شد؟ **čičī pāyn bo-xosiyo?**

در این موارد، وند مجهول ساز *-i* است که به ماده مضارع متعدی افزوده شده و از آن ماده مضارع مجهول ساخته که ظاهراً امروزه از آن در ساختن مضارع مجهول استفاده نمی‌شود. با افزوده شدن وند ماضی ساز *-o* به آن، ماده ماضی مجهول به دست می‌آید.

معنی	ماضی ساده سوم	ماده ماضی	ماده مضارع	ماده مضارع متعدی معلوم
ساخته شد	bo-sāziyo	sāz-i-y-o-	*sāz-i-	sāz-
خورده شد	bo-xoriyo	xor-i-y-o-	*xor-i-	xor-
انداخته شد	bo-xosiyo	xos-i-y-o-	*xos-i-	xos-

۳-۱-۶. ماده نقلی: به دو روش ساخته می‌شود:

الف) به ماده‌های ماضی، تکواژ نقلی ساز *-e* افزوده می‌شود:

معنی	ماده نقلی ^۱	ماده ماضی	معنی	ماده نقلی	ماده ماضی
آمدن	miye-	mo-	نشستن	henāqešt-e-	henāqešt -
دیدن	diye-	dī-	انداختن	xoss-e-	xoss-
شدن	bībiye-	bebo-	خوردن	xād-e-	xād-

ب) به ماده‌های ماضی جعلی که با تکواژ *-o* ساخته می‌شوند، تکواژ نقلی ساز *-ā* افزوده می‌شود که در این صورت تکواژ ماضی ساز *-o* حذف می‌گردد:

^۱ شکل میانه این ماده‌ها مختوم به یک مصوت و صامت *d* بوده است؛ این صامت *d* پایانی در اردستانی حذف شده و با اضافه شدن تکواژ نقلی ساز *-e* به این ماده‌ها، *d* پایانی به صورت *y* ظاهر می‌گردد.

معنی	ماده نقلی	ماده ماضی جعلی	معنی	ماده نقلی	ماده ماضی جعلی
پرسیدن	vepa:s-o	o--vepa:s	دویدن	vez-ā-	vez-o

۲-۳. وندهای تصریفی

۱-۲-۳. **وند وجه امری و التزامی:** be- وند وجه التزامی و امری است که با توجه به واج آغازین ماده مضارع یا مصوت هجای آغازین ماده مضارع به گونه‌های be-، bī-، bo-، bu-، ve-، b- و e- ظاهر می‌شود:

بیایی	b-ur-ī	بدوید	be-vez-īn
بدوزی	ve-duz-ī	بخرم	bī-tūrīn-om
بپر	e-pa:	بینداز	bo-xos
		بگوئیم	bu-vā:-m

۲-۲-۳. **وندهای استمرار:** e-/-ī و t-/tu-/to-/te- وند استمراری هستند که در ساخت مضارع اخباری و ماضی استمراری به کار می‌روند:

برمی‌گشتیم	vī-gīred-o:m	می‌رهانی	vel e:-kerī
می‌خواهیدند	vo:-to-s-oyn	می‌ایستم	ve:-te-ys-om
می‌آورند	t-ār-en	می‌آمد	tu-mo

۳-۲-۳. **be-/ve-** در ماضی ساده اخباری برخی از افعال لازم، وند ماضی مطلق است^۱ که در صورت حذف آن، فعل معنای استمرار ساخته می‌شود.

^۱ لکوک پیشنهاد be- را پیشنهاد نمود تام برای مضارع التزامی و ماضی می‌داند (لکوک، ۱۳۹۳: ۵۳۳) که با تغییر مصوت آن بر طبق همگونی واکه‌ای در مضارع التزامی، امر، ماضی ساده، ماضی نقلی و ماضی بعید به کار برده می‌شود (لکوک، ۱۹۸۲: ۳۸۷).

معنی	ماضی استمراری	معنی	ماضی ساده
می‌رسیدم	res-om	رسیدم	be-res-om
می‌پوسیدند	pus-on	پوسیدند	ve-pus-on
می‌رفتم	Šom	رفتم	bu-šom

bī- شکل دیگر وند be-، که به فعل biyen «بودن»، افزوده می‌شود و فعل bibiyen «شدن» را می‌سازد و در این صورت وند تصریفی نیست.

۳-۲-۴. وند نفی

وند نفی na است که پیش از فعل می‌آید و در مواردی بسته به واج و مصوت هجای کناری به صورت‌های -na، -no و -ne، nā و -n و -now ظاهر می‌شود.

نیاورند	n-ār-en	نمردی	na-ma:d-oy
نیایم	nowr-om	نخواهیدم	ve-no-s-om
نینداختم	ne-m xoss	نرو	ne-šī
		نگوید	nā-vā-yn

در مضارع اخباری وند نفی na- با وند اخباری ادغام شده و na:- می‌سازد:

مضارع التزامی	مضارع اخباری
نیندازی na-xossī	نمی‌اندازی na:-xossī

۳-۳. وندهای شخصی (شناسه‌های فعلی)

شناسه‌های فعلی در ساخت ماضی و مضارع متفاوت است. از این شناسه‌ها در ساخت فعل‌های مضارع (لازم و متعدی) و ماضی لازم استفاده می‌شود.

- شناسه‌های زمان مضارع^۱:

مفرد	جمع	
-om/-um	-em/-m	اول شخص
-ī/-y	-ī/-eÿ(n)/-yn	دوم شخص
-e/-u /-o/- Ø	-en/-an/-n	سوم شخص

- شناسه‌های زمان ماضی^۲:

مفرد	جمع	
-om	-o:m	اول شخص
-oy/-ī	-oyñ/-ī/-oyd/-eÿ(n)	دوم شخص
-Ø	-on/-en	سوم شخص

۳-۴. زمان، وجه، نمود

در گویش اردستانی فعل از نظر زمان، وجه و نمود شامل انواع زیر است:

۱. مضارع اخباری ۲. مضارع التزامی ۳. مضارع در جریان ۴. امری ۵. ماضی ساده ۶. ماضی استمراری ۷. ماضی در جریان ۸. ماضی نقلی ۹. ماضی بعید ۱۰. ماضی التزامی.

در اردستانی ساخت خاصی برای زمان آینده وجود ندارد و از ساخت مضارع اخباری برای بیان آن استفاده می‌کنند. اینک پس از بیان نحوه ساخت هر زمان، دو فعل زیر که

^۱ لکوک (۱۹۸۲: ۳۸۷) شناسه‌های مضارع را به این ترتیب ارائه می‌دهد: /-em/-eyn,-in/-en -ō/-ē/-e /-em/-eyn,-in/-en که در ساخت مضارع اخباری و مضارع التزامی به کار می‌روند. وی در مقاله‌ای دیگر شناسه‌ها را به این صورت می‌داند: /-ō/-e/-e /-em/-eyn,-in/-en (لکوک، ۱۳۹۳: ۵۳۳). ابراهیمی (۱۳۹۰: ۶۵) شناسه‌های مضارع را به این ترتیب ارائه می‌دهد: /-om/-e/-a,-e /-am/-eyn/-ān

^۲ طبق نظر لکوک (۱۹۸۷: ۳۸۷) شناسه‌های ماضی به این ترتیب هستند: /-em/-oyñ,-eyn/-ān -ō/-oy,-ey/-Ø /-em/-oyñ,-eyn/-ān که در ساخت ماضی ساده لازم و ماضی استمراری لازم به کار می‌روند. ابراهیمی (۱۳۹۰: ۶۶) شناسه‌های ماضی را به این صورت می‌داند: /-om/-oy/-Ø /-am,-om/-oyd/-on

یکی لازم و دیگری متعدی است، به عنوان نمونه صرف می شوند. علاوه بر این، صرف فعل های معین نیز می آید.

مصدر	ماده ماضی	ماده مضارع	
sottan	sot-	suz-	سوختن (لازم)
xossan	xoss-	xos-	انداختن

۳-۴-۱. مضارع اخباری

مضارع اخباری از ماده مضارع و شناسه های فعلی ساخته می شود:

suz-om / suz-ī / suz-e / suz-em / suz-ī / suz-an

می سوزم / می سوزی / می سوزد / می سوزیم / می سوزید / می سوزند

xos-om / xos-ī / xos-e / xos-em / xos-ī / xos-en

می اندازم / می اندازی / می اندازد / می اندازیم / می اندازید / می اندازند

- مضارع اخباری **biyen/b-** «بودن»:

از **h-**، ماده مضارع و شناسه ها ساخته می شود:

(h)-om	م - / م - ام	(h)-em	یم - / ایم -
(h)-ī	ی - / ی - ای	(h)-ī	ید - / ید -
(h)-e	ست - / است -	(h)-an / (h)-en	ند - / اند -

وقتی که فعل ربطی / اسنادی باشد به صورت متصل / پیوستی به کار می رود و در این صورت، شکل های **h** دار تنها بعد از کلماتی که مختوم به مصوت هستند ظاهر می شوند:

nī ketebā māl mā-han. این کتابها مال من هستند.

šumu kī-hī?

شما کی هستید؟

ūā kiyā han?

آنها چه کسانی هستند؟

شکل‌های بدون h، به اسم، قید و صفت متصل می‌شود و تنها بعد از کلماتی که مختوم به صامت هستند ظاهر می‌شوند:

xow-om خوب است xob-e خوب است

سوم شخص مفرد به صورت d- نیز به کار می‌رود که تنها بعد از کلماتی که مختوم به مصوت هستند ظاهر می‌شود:

nī sedā ke ture ez rādiyo-d. این صدایی که می‌آید از رادیو است.

nī mojeza-d. این معجزه است.

برای بیان مفهوم «حضور داشتن، وجود داشتن» نیز از شکل h دار استفاده می‌شود:

heme tu nī yot han qeyr maryam. همه در این اتاق هستند به جز مریم.

piyer o māret han? پدر و مادرت هستند؟

برای بیان مفهوم «بودن، قرار داشتن، حضور داشتن» از فعل ناقص der- استفاده می‌شود. این فعل فقط صورت مضارع دارد.

der-om/ der-ī/ der-e/ der-em/ der-ī/ der-en

هستم / هستی / هست / هستیم / هستید / هستند

šumu ez kiyā derī? شما اهل کجا هستید؟

medrese deram. مدرسه هستم.

- مضارع اخباری فعل **duden/dār-** «داشتن»:

dār-om/ dār-ī/ dār-e/ dār-em/ dār-ī/ dār-an

دارم / داری / دارد / داریم / دارید / دارند

- مضارع اخباری فعل «خواستن»:

در اردستانی مصدر «خواستن» وجود ندارد. برای بیان مفهوم خواستن، از یک ساختار نحوی استفاده می‌شود؛ به این صورت که به *piye* مضارع اخباری سوم شخص مفرد «بایستن» ضمائر شخصی متصل افزوده می‌شود. ضمائر شخصی متصل می‌توانند به *piye* یا به اجزای دیگر جمله متصل شوند.

piye-m/ piye-d piye-š/ piye-mū/ piye-dū/ piye-šū

می‌خواهم / می‌خواهی / می‌خواهد / می‌خواهیم / می‌خواهید / می‌خواهند

<i>ne-m piye</i>	نمی‌خواهم	<i>keteb-ešū piye</i>	کتاب را می‌خواهند
<i>ū-ed piye</i>	آن را می‌خواهی	<i>čevaxt-eš piye?</i>	چه موقع می‌خواهد؟
		<i>vās mā-dū piye</i>	برای من می‌خواهید

مضارع اخباری برخی از افعال با وند استمراری^۱ *t-/tu-/tā-/to-/te-*، ماده مضارع و شناسه‌های فعلی ساخته می‌شود. این افعال عبارتند از: *bīmiyan* «آمدن»، *udan* «آوردن»، *vosāmū* «خوابیدن» و *veysāmū* «ایستادن». در ادامه صرف دوم شخص هرکدام از افعال برای نمونه آورده شده است. در فعل‌های پیشوندی *vosāmū* و *veysāmū* علاوه بر وند *te-/to-* وند استمرار *e:-* نیز بین ماده و پیشوند فعل قرار می‌گیرد و از ترکیب آن با پیشوند، *ve:-/vo:-* ایجاد می‌شود:

<i>t-ur-ī</i>	می‌آیی	<i>t-ur-ī</i>	می‌آید
<i>t-ār-ī</i>	می‌آوری	<i>t-ār-ī</i>	می‌آورد
<i>ve:-to-s-ī</i>	می‌خوابی	<i>ve:-to-s-ī</i>	می‌خوابد
<i>ve:-te-ys-ī</i>	می‌ایستی	<i>ve:-te-ys-ī</i>	می‌ایستد

^۱ بیلی وند *t-* را در دو فعل «آمدن» و «آوردن» پیشوند فعل می‌داند نه وند تصریفی. وی این دو فعل را جزو فعل‌های پیشوندی قرار می‌دهد (بیلی، ۱۹۸۱: ۱۷۸).

در فعل‌های مرکب، پیش از فعل صرفی وند $e:-/\bar{i}$ اضافه می‌شود.

- مضارع اخباری **pāsoft ka:dan** «اندوختن»:

می‌اندوزید $pāsoft \bar{i}-ker\bar{i}$ می‌اندوزی $pāsoft \bar{i}-ker\bar{i}$

در فعل‌های پیشوندی وند اخباری $e:-/\bar{i}$ بین ماده و پیشوند می‌آید و در این صورت با پیشوند فعل ادغام می‌شود:

- مضارع اخباری **vī-gīretten/ vī-gīr-** «برگشتن»:

برمی‌گردید $*v\bar{i}-\bar{i}-g\bar{i}r-\bar{i} \rightarrow v\bar{i}:-g\bar{i}r-\bar{i}$ برمی‌گردی $*v\bar{i}-\bar{i}-g\bar{i}r-\bar{i} \rightarrow v\bar{i}:-g\bar{i}r-\bar{i}$

- مضارع اخباری **bībiyen/beb-** «شدن»:

در فعل پیشوندی **bībiyen**، وند اخباری $e:-/\bar{i}$ بین ماده و پیشوند فعل می‌آید. ماده مضارع **b-** است و در این صورت وند $e:-/\bar{i}$ با پیشوند **be-** ادغام می‌شود:

$be:b-om/ be:b-\bar{i}/ be:b-u/ be:b-em/ be:b-\bar{i}/ be:b-an$

می‌شوم / می‌شوی / می‌شود / می‌شویم / می‌شوید / می‌شوند

۳-۴-۲. مضارع التزامی

مضارع التزامی از وند وجه التزامی **be, bī, bo, bu, b, ve** و **e** ماده مضارع و شناسه‌های فعلی ساخته می‌شود:

$bu-suz-om/ bu-suz-\bar{i}/ bu-suz-e/ bu-suz-em/ bu-suz-\bar{i}/ bu-suz-an$

بسوزم / بسوزی / بسوزد / بسوزیم / بسوزید / بسوزند

$ve-xos-om/ ve-xos-\bar{i}/ ve-xos-e/ ve-xos-em/ ve-xos-\bar{i}/ ve-xos-an$

بیندازم / بیندازی / بیندازد / بیندازیم / بیندازید / بیندازند

- مضارع التزامی فعل **biyen/b-** «بودن»:

b-um/ b-ī/ b-u/ b-em/ b-ī/ b-en/ باشم/ باشی/ باشد/ باشیم/ باشید/ باشند

مضارع التزامی «خواستن»:

در این فعل ضمایر شخصی متصل می‌توانند به **pe:bo-** یا به اجزای دیگر جمله متصل شوند.

pe:bo-m/ pe:bo-d/ pe:bo-š/ pe:bo-mū/ pe:bo-dū/ pe:bo-šū

بخواهم/ بخواهی/ بخواهد/ بخواهیم/ بخواهید/ بخواهند

ne-d pe:bo نمی‌خواهی **keteb-ešū pe:bo** کتاب را می‌خواهند

ū-edū pe:bo آن را بخواهید **ez to-m pe:bo** از تو بخواهم

در فعل‌های مرکب و پیشوندی وند وجه التزامی ظاهر نمی‌شود:

pāsoft kerī بیندوزی **pāsoft kerī** بیندوزید

vī-gīr-ī برگردی **vī-gīr-ī** برگردید

- مضارع التزامی **bībiyen/beb-** «شدن»:

be-b-om/ be-b-ī/ be-b-u/ be-b-em/ be-b-ī/ be-b-an

بشوم/ بشوی/ بشود/ بشویم/ بشوید/ بشوند

۳-۴-۳. مضارع در جریان

از مضارع اخباری فعل کمکی **duđen** «داشتن» و مضارع اخباری فعل اصلی ساخته می‌شود:

dār-om suz-om/ dār-ī suz-ī/ dār-e suz-e/ dār-e suz-e/ dār-em suz-em/ dār-ī

suz-ī/ dār-en suz-en

دارم می‌سوزم/ داری می‌سوزی/ دارد می‌سوزد/ داریم می‌سوزیم/ دارید می‌سوزید/ دارند می‌سوزند

dār-om xos-om/ dār-ī xos-ī/ dār-e xos-e/ dār-em xos-em/ dār-ī xos-ī/ dār-en
xos-en

دارم می‌اندازم/ داری می‌اندازی/ دارد می‌اندازد/ داریم می‌اندازیم/ دارید می‌اندازید/ دارند می‌اندازند

- مضارع در جریان فعل -bībiyen/beb- «شدن»:

dār-om be:b-om/ dār-ī be:b-ī/ dār-e be:b-u/ dār-em be:b-em/ dār-ī be:b-ī/ dār-en
en be:b-an

دارم می‌شوم/ داری می‌شوی/ دارد می‌شود/ داریم می‌شویم/ دارید می‌شوید/ دارند می‌شوند

۳-۴-۵. امر

فعل امر از وند وجه امری و ماده مضارع ساخته می‌شود؛ دوم شخص مفرد شناسه ندارد

و شناسه امر دوم شخص جمع \bar{a} - است:

bo-xos	بینداز	bo-xos- \bar{a}	بیندازید
bu-suz	بسوز	bu-suz- \bar{a}	بسوزید
pāsoft ke:	بیندوز	pāsoft ker- \bar{a}	بیندوزید
vī-gī:	برگرد	vī-gīr- \bar{a}	برگردید

در فعل‌های مرکب و پیشوندی وند وجه امری ظاهر نمی‌شود.

- امر فعل -biyen/b- «بودن»:

b-u	باش	b- \bar{a}	باشید
-----	-----	--------------	-------

- امر فعل -bībiyen/beb- «شدن»:

be-be	بشو	be-b-en	بشوید
-------	-----	---------	-------

۳-۴-۵. ماضی ساده

در فعل‌های ماضی (ساده، استمراری، نقلی، بعید و مستمر) صرف متعدی و لازم باهم فرق دارد. شیوه صرف فعل‌های متعدی بازمانده شیوه صرف فعل‌های ماضی متعدی ایرانی میانه، یعنی به شیوه ارگتیو است.

الف) ماضی ساده لازم

ماضی ساده لازم از ماده ماضی و شناسه‌های فعلی ساخته می‌شود. سوم شخص مفرد شناسه Ø است. در برخی از افعال وند be- نیز افزوده می‌شود.

be-sott-om/ be-sott-oy/ be-sot/ be-sott-o:m/ be-sott-oy:n/ be-sott-on

سوختم/ سوختی/ سوخت / سوختیم/ سوختید/ سوختند

- ماضی ساده biyen/bo- «بودن»:

bo-m/ bo-y/ bo/ b-o:m/ bo-yn/ b-on بودم/ بودی/ بود/ بودیم/ بودید/ بودند

- ماضی ساده bībiyen/bebo- «شدن»:

be-bo-m/ be-bo-y/ be-bo/ be-b-o:m/ be-bo-yn/ be-b-on

شدم/ شدی/ شد/ شدیم/ شدید/ شدند

ب) ماضی ساده متعدی

شیوه ساخت ماضی‌های متعدی در اردستانی بازمانده ساخت ماضی‌های متعدی زبان‌های ایرانی میانه (ساخت ارگتیو) است^۱ در اردستانی، ماضی ساده متعدی از ماده ماضی و ضمائر شخصی متصل (-m/-d/-š/-mū/-dū/-šū) ساخته می‌شود که حکم

^۱ برای اطلاع از ساخت ارگتیو فارسی میانه رجوع شود به ابوالقاسمی (۱۳۹۲: ۱۶۶).

شناسه دارند و نشان‌دهنده کننده فعل هستند. ضمائر متصل قبل از ماده ماضی می‌آیند و به یکی از کلمه‌های پیش از فعل می‌پیوندند. کلمه‌ای که ضمائر متصل به آن می‌پیوندد، می‌تواند وندهای تصریفی -e، -be، -ve، -ā، na مفعول (اسم و ضمیر)، مفعول به واسطه، قید، پیشوند فعل‌های پیشوندی و جزء غیرصرفی (فعلیاری) فعل‌های مرکب باشد. برای هر کدام به ترتیب مثال آورده می‌شود:

be-m xoss	انداختم	be-mū xoss	انداختیم
ne-d xoss	نینداختی	ne-dū xoss	نینداختید
ū-eš boxoss	آن‌را انداخت	ū-ešū boxoss	آن‌را انداختند
top-em boxoss	توپ‌را انداختم	top-emū boxoss	توپ‌را انداختیم
xo pā-d boxoss	با پا انداختی	xo pā-dū boxoss	با پا انداختید
entā-š boxoss	این‌جا انداخت	entā-šū boxoss	اینجا انداختند
pāsoft-ed ka:d	اندوختی	pāsoft-edū ka:d	اندوختید
ī-m gīred	برداشتم	ī-mū gīred	برداشتیم

- ماضی ساده فعل -dud / duden «داشتن»:

ضمائر شخصی متصل می‌توانند مانند شناسه‌های فعلی به ماده ماضی یا به اجزای دیگر جمله متصل شوند:

dud-em/ dud-ed/ dud-eš/ dud-emū/ dud-edū/ dud-ešū

ūāyī ke vāqean ne-šū dud, num آن‌هایی که واقعا نداشتند (فقیر بودند)، نان جو
yešū e:xād. می‌خوردند.

xo nī owpāšiyā e:teqād-ešū dud ke با این آب پاشی‌ها اعتقاد داشتند که نحسی‌ها از بین
na:siyāšū ez beyn e:šo. می‌رفتند.

هیچکس در این دنیا با ماها کاری نداشت. **hīškī tu nī donyā da xo humuā-š kārī nedud**

داشتم / داشتی / داشت / داشتیم / داشتید / داشتند

- ماضی ساده فعل «خواستن»:

این فعل از **piyo-** ماضی ساده سوم شخص مفرد «بایستن» و ضمائر شخصی متصل ساخته می‌شود. ضمائر شخصی متصل می‌توانند مانند شناسه بعد از **piyo-** قرار بگیرند و یا قبل از آن به سایر اجزای جمله متصل شوند.

piyo-m/ piyo-d/ piyo-š/ piyo-mū/ piyo-dū/ piyo-šū

خواستم / خواستی / خواست / خواستیم / خواستید / خواستند

mā xom ne-m piyo. من خودم نخواستم.

mā nī nārā-m piyo. من این انارها را خواستم.

ūā itā qāšoq o itā za:f-ešū piyo. آن‌ها یک قاشق و یک ظرف خواستند.

۳-۴-۶. ماضی استمراری

ماضی استمراری با افزوده شدن **وند** استمرار به ماضی ساده لازم ساخته می‌شود. پربسامدترین وندهای استمرار به ترتیب **-ī/ -e:** و **t-/tu/to/te** هستند.

الف) ماضی استمراری لازم

ماضی استمراری لازم به دو روش ساخته می‌شود:

۱. پربسامدترین ساخت ماضی استمراری لازم از **وند** استمرار **-ī/ -e:** ماده ماضی و شناسه‌های فعلی ساخته می‌شود:

e:-sott-om/ e:-sott-oy/ e:-sot/ e:-sott-:om/ e:-sott-oy/ e:-sott-on

می سوختم / می سوختی / می سوخت / می سوختیم / می سوختید / می سوختند

ماضی استمراری افعال *bīmiyan* «آمدن»، *vosāmū* «خوایدن»، *veysāmū* «ایستادن» با *te-/to-/tu-* استمرار / ماده ماضی و شناسه‌های فعلی ساخته می‌شود. در فعل‌های پیشوندی *vosāmū* و *veysāmū* علاوه بر *te-/to-* استمرار و *te-/to-* وند استمرار *e:-* نیز می‌آید. این وند بین ماده و پیشوند فعل قرار می‌گیرد و از ترکیب آن با پیشوند *ve:-* *vo:-* ایجاد می‌شود. در ادامه صرف دوم شخص هر کدام از افعال برای نمونه آورده شده است.

<i>tu-m-oy</i>	می‌آمدی	<i>tu-m-oyd</i>	می‌آمدید
<i>vo:-to-s-oy</i>	می‌خواستید	<i>vo:-to-s-oyd</i>	می‌خواستید
<i>ve:-te-ys-oy</i>	می‌ایستادی	<i>ve:-te-ys-oyd</i>	می‌ایستادید

در فعل‌های پیشوندی وند استمراری *e:-/ī-* بین ماده و پیشوند می‌آید و در این صورت با پیشوند فعل ادغام می‌شود:

<i>*vī-ī-gīred-oy → vī:-gīred-oy</i>	برمی‌گشتی	<i>*vī-ī-gīred-oyd → vī:-gīred-oyd</i>	برمی‌گشتید
--------------------------------------	-----------	--	------------

- ماضی استمراری فعل پیشوندی *bībiyen/bebo-* «شدن»:

وند استمراری *e:-* بین ماده و پیشوند می‌آید و در این صورت با پیشوند فعل ادغام می‌شود:

be:-bom/ be:-boy/ be:-bo/ be:-b:om/ be:-boyn/ be:-bon

می‌شدم / می‌شدی / می‌شد / می‌شدیم / می‌شدید / می‌شدند

- ماضی استمراری *biyen/bo-* «بودن»:

این فعل در ماضی استمراری، معنای «شدن» می‌گیرد:

e:-bom/ e:-boy/ e:-bo/ e:-bo:m/ e:-boyn/ e:-bon

می‌شدم / می‌شدی / می‌شد / می‌شدیم / می‌شدید / می‌شدند

۲. be-/ve- در ماضی ساده اخباری برخی از افعال لازم وند ماضی مطلق هستند که در صورت حذف آن‌ها فعل معنای استمرار ساخته می‌شود.

معنی	ماضی استمراری	معنی	ماضی ساده
می‌رسیدم	res-om	رسیدم	be-res-om
می‌پوسیدند	pus-on	پوسیدند	ve-pus-on

ب) ماضی استمراری متعدی

وند استمرار e:-/ī- پیش از ماده ماضی می‌آید. در این صورت، همه حالت‌هایی که در مورد ماضی ساده متعدی، براساس محل قرارگرفتن ضمائر متصل ذکرشده در مورد ماضی استمراری نیز صدق می‌کند (رک ۳-۴-۵ ب).

با پا می‌انداختیم	xo pā-mū e:-xoss	می‌انداختم	be-m e:-xoss
اینجا می‌انداختید	entā-dū e:-xoss	نمی‌انداختی	ne-d e:-xoss
می‌اندوختند	pāsoft-ešū e:-ka:d	آن را می‌انداخت	ū-eš e:-xoss
برمی‌داشتی	ī-d ī-gīred	توپ را می‌انداختم	top-em e:-xoss

ماضی استمراری متعدی می‌تواند از ماده ماضی و ضمائر شخصی متصل ساخته شود.

به این ترتیب که ضمائر شخصی متصل مانند شناسه به ماده ماضی متصل می‌شود.

xād-e-m/ xād-e-d/ xād-e-š/ xād-e-mū/ xād-e-dū/ xād-e-šū

می‌خوردم / می‌خوردی / می‌خورد / می‌خوردیم / می‌خوردید / می‌خوردند

ضمائر شخصی متصل می‌توانند قبل از ماده، به اجزای دیگر جمله متصل شوند که در

این صورت وند استمرار e:-/ī- پیش از ماده ماضی می‌آید.

در طول سال یک بار پلو می‌خوردند. da: tul sāl da ye bā polo-ešū e:-xād.

فعل *udan* «آوردن» با *وند* استمرار-*t*، ماده ماضی و ضمائر شخصی متصل ساخته می‌شود.

می‌آوریم *t-ud-emū* می‌آورم *t-ud-em*

در این فعل ضمائر شخصی متصل می‌توانند قبل از ماده، به اجزای دیگر جمله متصل شوند که در این صورت علاوه بر *وند t-*، *وند* استمرار-*t̄* نیز پیش از فعل می‌آید:

با این معامله پول زیادی به دست می‌آوردم. **xo nī mā:mele pöl ziyād-īm be des t̄-tud.**

۳-۴-۷. ماضی نقلی

الف) ماضی نقلی لازم

ماضی نقلی لازم از ماده نقلی و مضارع اخباری فعل کمکی *biyen* «بودن» (شکل‌های بدون *h*) به‌عنوان شناسه ساخته می‌شوند. با اضافه‌شدن این شناسه‌ها مصوت پایانی آن دسته از ماده‌های نقلی که مختموم به *e* هستند حذف می‌شود:

be-sott-am/ be-sott-ey/ be-sott-e/ be-sott-a:m/ be-sott-eyn/ be-sott-an

سوخته‌ام / سوخته‌ای / سوخته است / سوخته‌ایم / سوخته‌اید / سوخته‌اند

- ماضی نقلی فعل پیشوندی *bībiyen* «شدن» از ماده نقلی *bībiye*:

bī-biy-om/ bī-biy-ey/ bī-biy-e/ bī-biy-am/ bī-biy-eyn/ bī-biy-an

شده‌ام / شده‌ای / شده است / شده‌ایم / شده‌اید / شده‌اند

- ماضی نقلی فعل *biyen* «بودن»، از ماده نقلی *biye*:

biy-om/ biy-ey/ biy-e/ biy-am/ biy-eyn/ biy-an

بوده‌ام / بوده‌ای / بوده است / بوده‌ایم / بوده‌اید / بوده‌اند

ب) ماضی نقلی متعدی

از ماده نقلی متعدی و ضمایر شخصی متصل (کننده فعل) ساخته می‌شود. ضمایر متصل شخصی قبل از ماده نقلی می‌آیند. همه حالت‌هایی که در مورد ماضی ساده متعدی براساس محل قرارگرفتن ضمایر متصل ذکرشده در مورد ماضی نقلی متعدی نیز صادق است (رک ۳-۴-۵ ب).

be-m xosse	انداخته‌ام	xo pā-dū xosse	با پا انداخته‌اید
ne-mū xosse	نینداخته‌ایم	entā-d xosse	این‌جا انداخته‌ای
ũ-eš xosse	آن‌را انداخته است	pāsoft-em ka:de	اندوخته‌ام
top-em xosse	توپ را انداخته‌ام	ī-šū gīrette	برداشته‌اند

۳-۴-۸. ماضی بعید

الف) ماضی بعید لازم

ماضی بعید از ماده نقلی و صرف ماضی ساده فعل «بودن» ساخته می‌شود:

be-sotte bom/ be-sotte boy/ be-sotte bo/ be-sotte bo:m/ be-sotte boyn/ be-sotte bon

سوخته بودم / سوخته بودی / سوخته بود / سوخته بودیم / سوخته بودید / سوخته بودند

- ماضی بعید فعل -bībiyen/bebo- «شدن»:

bībiye bom/ bībiye boy/ bībiye bo/ bībiye bo:m/ bībiye boyn/ bībiye bon

شده بودم / شده بودی / شده بود / شده بودیم / شده بودید / شده بودند

ب) ماضی بعید متعدی

ماضی بعید متعدی از ماده نقلی و *bo* (سوم شخص مفرد ماضی ساده «بودن») و ضمائر شخصی متصل (کننده فعل) ساخته می‌شود. ضمائر متصل شخصی قبل از ماده نقلی می‌آیند. همه حالت‌هایی که در مورد ماضی ساده متعدی براساس محل قرارگرفتن ضمائر متصل ذکرشده در مورد ماضی بعید متعدی نیز صادق است (رک ۳-۴-۵ ب).

<i>be-m xosse bo</i>	انداخته بودم	<i>xo pā-d xosse bo</i>	با پا انداخته بودی
<i>ne-mū xosse bo</i>	نینداخته بودیم	<i>entā-š xosse bo</i>	اینجا انداخته بود
<i>top-edū xosse bo</i>	توپ را انداخته بودید	<i>pāsoft-ešū ka:de bo</i>	اندوخته بودند
<i>ū-em xosse bo</i>	آن را انداخته بودم	<i>ī-š gīrette bo</i>	برداشته بود

۳-۴-۹. ماضی التزامی**ب) ماضی التزامی لازم**

ماضی التزامی لازم از ماده نقلی و صرف مضارع التزامی فعل «بودن» ساخته می‌شود:

be-sotte bom/ be-sotte bī/ be-sotte bu/ be-sotte bem/ be-sotte bī/ be-sotte ben
 سوخته باشم/ سوخته باشی/ سوخته باشد/ سوخته باشیم/ سوخته باشید/ سوخته باشند

- ماضی التزامی *bībiyen/bebo-* «شدن»:

bībiye bom/ bībiye bī/ bībiye bu/ bībiye bem/ bībiye bī/ bībiye ben
 شده باشم/ شده باشی/ شده باشد/ شده باشیم/ شده باشید/ شده باشند

ب) ماضی التزامی متعدی

ماضی التزامی متعدی از ضمائر شخصی متصل ماده نقلی و *bu* (سوم شخص مفرد مضارع التزامی «بودن») ساخته می‌شود. ضمائر متصل شخصی قبل از ماده نقلی می‌آیند.

همه حالت‌های که در مورد ماضی ساده متعدی، براساس محل قرارگرفتن ضمایر متصل ذکر شده، در مورد ماضی التزامی متعدی نیز صادق است (رک ۳-۴-۵ ب).

be-m xosse bu	انداخته باشم	xo pā-d xosse bu	با پا انداخته باشی
ne-š xosse bu	نینداخته باشد	entā-mū xosse bu	اینجا انداخته باشیم
ũ-em xosse bu	آن را انداخته باشم	pāsoft-dū ka:de bu	اندوخته باشید
top-eš xosse bu	توپ را انداخته باشد	ī-šū gīrette bu	برداشته باشند

۳-۴-۱۰. ماضی در جریان

الف) ماضی در جریان لازم

ماضی در جریان لازم از صرف ماضی ساده فعل کمکی *duden* «داشتن» و صرف ماضی استمراری فعل اصلی ساخته می‌شود:

dudem e: sott-om/ duded e: sott-oy/ dudeš e: sot/ dudemū e: sott-o:m/ dudedū e: sott-oy/ dudešū e: sott-on

داشتم می‌سوختم/ داشتی می‌سوختی/ داشت می‌سوخت/ داشتیم می‌سوختیم/ داشتید می‌سوختید/ داشتند می‌سوختند

ب) ماضی در جریان متعدی

ماضی در جریان متعدی از صرف ماضی ساده فعل کمکی *duden* «داشتن» وند استمرار *e:-* و ماده ماضی ساخته می‌شود:

dudem e:-xoss /dud-ed e:-xoss /dud-eš e:-xoss/ dud-emū e:-xoss/ dud-edū e:-xoss/ dud-ešū e:-xoss

داشتم می‌انداختم/ داشتی می‌انداختی/ داشت می‌انداخت/ داشتیم می‌انداختیم/ داشتید می‌انداختید/ داشتند می‌انداختند

۳-۴-۱۱. فعل مجهول

فعل مجهول به دو روش ساخته می‌شود:

الف) با استفاده از ماده مجهول که تنها صیغه سوم شخص مفرد ماضی ساده مجهول کاربرد دارد (رک. ۳-۱-۵).

ب) از ماده نقلی فعل متعدی و صرف فعل معین *bībiyen* «شدن» متناسب با زمان، وجه و نمود مورد نظر ساخته می‌شود. در ادامه، دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع *diyan* «دیدن» (از ماده نقلی *diye-*) به‌عنوان نمونه آورده می‌شود:

- مجهول مضارع اخباری:

<i>diy-e be:bī</i>	دیده می‌شوی	<i>diy-e be:bī</i>	دیده می‌شوید
--------------------	-------------	--------------------	--------------

- مجهول مضارع التزامی:

<i>diy-e bebī</i>	دیده شوی	<i>diy-e bebī</i>	دیده شوید
-------------------	----------	-------------------	-----------

- مجهول مضارع در جریان:

<i>dārī diy-e be:bī</i>	داری دیده می‌شوی	<i>dārī diy-e be:bī</i>	دارید دیده می‌شوید
-------------------------	------------------	-------------------------	--------------------

- مجهول امری:

<i>diy-e bebe</i>	دیده شو	<i>diy-e beben</i>	دیده شوید
-------------------	---------	--------------------	-----------

- مجهول ماضی ساده:

<i>diy-e beboy</i>	دیده شدی	<i>diy-e beboyn</i>	دیده شدید
--------------------	----------	---------------------	-----------

- مجهول ماضی استمراری:

<i>diy-e be:boyn</i>	دیده می‌شدی	<i>diy-e be:boyn</i>	دیده می‌شدید
----------------------	-------------	----------------------	--------------

- مجهول ماضی نقلی:

<i>diy-e bībiyey</i>	دیده شده‌ای	<i>diy-e bībiyeyn</i>	دیده شده‌اید
----------------------	-------------	-----------------------	--------------

مجهول ماضی بعید:

diy-e bībiye boy دیده شده بودی diy-e bībiye boyn دیده شده بودید

– مجهول ماضی التزامی:

diy-e bībiye bī دیده شده باشی diy-e bībiye bī دیده شده باشید

– مجهول ماضی در جریان:

dud-ed diy-e be:boy داشتی دیده می شدی

dud-edū diy-e be:boyn داشتید دیده می شدید

۴. نتیجه گیری

بر اساس آنچه گفته شد، ویژگی های اردستانی را از نظر صرف فعل می توان به صورت زیر تلخیص و جمع بندی کرد:

۱. ماده های مضارع و ماضی دو صورت اصلی و جعلی دارند. ماده های مضارع جعلی همان اسم و صفت اند که ماده مضارع شده اند و ماده های ماضی جعلی با افزودن تکواژهای ماضی ساز -o/-ešt/-ed/-īd- به ماده مضارع ساخته می شوند که پربسامدترین آن ها تکواژ -o- است.
۲. ماده واداری با افزودن تکواژ واداری ساز -(u)n/-en/-īn- به ماده مضارع ساخته می شود که پربسامدترین آن ها تکواژ -(u)n- است.
۳. ماده مجهول از افزوده شدن وند مجهول ساز -i- به ماده مضارع معلوم ساخته می شود که تنها ماده ماضی مجهول جعلی وجود دارد و فقط صیغه سوم شخص مفرد ماضی ساده مجهول به کار می رود. ماده مضارع مجهول کاربرد ندارد.

۴. تکواژهای نقلی ساز e-/ā- هستند.
۵. وند وجه التزامی و امری be- است. پربسامدترین وند استمرار e:/ī- است و وندهای t-/tu-/to-/te- در برخی افعال خاص کاربرد دارد؛ این وندها در ساخت مضارع اخباری و ماضی استمراری به‌کار می‌روند. وند ماضی مطلق be- و وند نفی na- است.
۶. شناسه‌های ماضی و مضارع باهم تفاوت‌هایی دارند که این تفاوت‌ها بسته به واج آخرین ماده‌های مضارع و ماضی ایجاد شده است. سوم شخص مفرد ماضی و همچنین ماده‌های مضارع مختوم به مصوت در صیغه سوم شخص مفرد شناسه نمی‌گیرند.
۷. فعل از نظر زمان، وجه و نمود شامل انواع زیر است: مضارع اخباری، مضارع التزامی، مضارع در جریان، امری، ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی در جریان، ماضی نقلی، ماضی بعید و ماضی التزامی. ساخت خاصی برای زمان آینده وجود ندارد و از ساخت مضارع اخباری برای بیان آن استفاده می‌کنند.
۸. مشخصه بارز این گویش، تمایز بین افعال لازم و متعدی در صرف ماضی یعنی کاربرد ساخت ارگتیو ایرانی میانه در ماضی‌های متعدی است که از ماده ماضی و ضمائر شخصی متصل ساخته می‌شود که حکم شناسه دارند و نشان‌دهنده کننده فعل هستند. این ضمائر قبل از ماده ماضی به سایر اجزای جمله متصل می‌شوند.
۹. فعل مجهول با استفاده از ماده نقلی فعل متعدی و صرف فعل معین bībiyen «شدن» ساخته می‌شود. استفاده از ماده مجهول در ساخت فعل مجهول

کم کاربرد است و فقط در صیغه‌های سوم شخص مفرد ماضی ساده مجهول به کار می‌روند.

فهرست منابع

ابراهیمی، قربان‌علی و علی‌رضا عظیم پور اردستانی (۱۳۹۰) *واژه‌نامه گویش اردستان*، اصفهان: فردا.

ابوالقاسمی، محسن (۱۳۹۲) *دستور تاریخی زبان فارسی*، تهران: سمت.

درگاه آمار ملی ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (مهر ۱۳۹۵) قابل دسترس از www.amar.org.ir دیده شده در ۱۰ خرداد ۱۳۹۶.

کریمی دوستان، غلامحسین و رحمان ویسی (۱۳۸۷) «حفظ یک ماده‌ساز باستانی در ساخت مجهول در زبان کردی»، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*، سال ۴۱، شماره ۱۶۰، صص ۱۳۷-۱۴۷.

لکوک، پی‌یر (۱۳۹۳) «گویش‌های مرکزی ایران»، *راهنمای زبان‌های ایرانی*، جلد ۲، ترجمه آرمان بختیاری و همکاران، تهران: ققنوس، صص ۵۱۷-۵۳۹.

مشتاقی، مهدی (۱۳۸۹) *اردستان در گذر تاریخ*، چاپ اول، تهران: مبین اندیشه.

ویندفور، گرنوت لودویگ (۱۳۹۳) «گویش‌های ایرانی غربی»، *راهنمای زبان‌های ایرانی*، ان آرپور، جلد ۲، ترجمه آرمان بختیاری و همکاران، صص ۴۸۵-۴۸۷.

Bailey, H. W. (1981) "Ardestānī", *Opera Minora*, Iran, Shiraz, Forozangah. Vol. I, PP: 177-184.

Lecoq, P. (1982) "Ardestāni", *Encyclopedia Iranica*, Vol. II, fasc. 4, PP: 387-388.